

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ادبیات فارسی

بخوانیم

سال سوم (نهم)

دوره اول متوسطه پیش حرفه‌ای

۱۳۹۶

وزارت آموزش و پرورش

سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور

برنامه ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: شورای برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی

دانش آموزان با نیازهای ویژه

نام کتاب: ادبیات فارسی (بخوانیم) - کد ۱۵۵

مؤلفان: حسین قاسم پور، عشرت لطفی، محبوبه ضرغام پور، هاجر عمل صالح،

شهربانو میرزایی، معصومه والی، آریتا محمودپور

مدیریت امور چاپ و تولید: لیدا نیکروش

آماده سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران - خیابان ایرانشهرشمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ - دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶ - کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وب سایت: www.chap.sch.ir

امور فنی و آماده سازی: زهرا محمد نظامی

امور فنی رایانه ای: حمید ثابت کلاچاهی، راحله زادفتح‌اله

مدیر هنری: عطیه مرکزی

تصحیح: سپیده ملک ایزدی

تصویرگران: رجب‌علی خدایی، رویا خادم‌الرضا، امیر نساجی، میترا عبدالهی، پویا اعتراضی

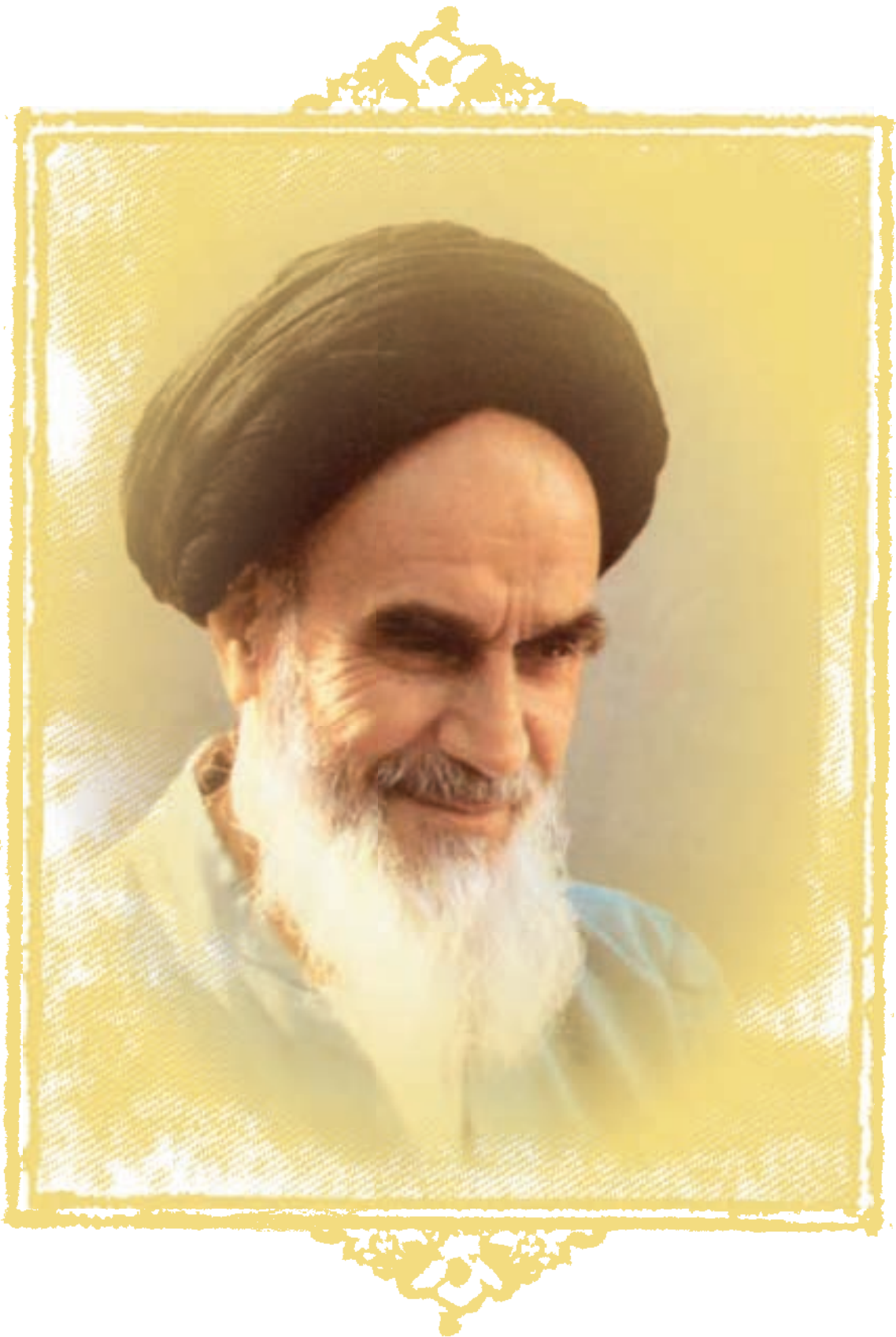
طراح جلد: طاهره حسن زاده

طراح گرافیک و صفحه آرا: حسین وهابی

ناشر: شرکت افست «سهامی عام»

سال انتشار و نوبت چاپ: ششم - ۱۳۹۶

شابک: ISBN: ۹۶۴-۰۵-۱۷۰۵-۴



بسم الله الرحمن الرحيم

طراحی و اصلاح سیستم آموزشی، پرورشی و توان بخشی با توجه به رویکردهای نوین آموزشی و درجهت تأمین نیازهای دانش آموزان با نیازهای ویژه از اهداف و وظایف اصلی سازمان آموزش و پرورش استثنایی به شمار می رود.

تأکید بر رویکرد حرفه‌آموزی در نظام آموزشی، نه تنها باعث توانمندتر شدن دانش آموزان با نیازهای ویژه در فرایند تحصیل و یادگیری می‌گردد؛ بلکه مدرسه را نیز در انجام رسالت خویش که همانا آماده کردن دانش آموزان برای زندگی مفید و پویا در جامعه است، یاری می‌دهد. به همین منظور « دوره‌ی راهنمایی تحصیلی پیش حرفه‌ای» طراحی شده است که از یک سو زمینه‌های به فعلیت رساندن استعدادها و توانایی‌های دانش آموزان با نیازهای ویژه را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر موجب ارتقاء کارآیی نظام آموزشی می‌شود. خداوند را شاکر و سپاسگزاریم که این توفیق حاصل شد تا نظام آموزشی را با رویکرد آموزش‌های پیش حرفه‌ای که از انعطاف لازم برای انطباق با انواع توانایی‌ها و آمادگی‌ها برخوردار است، ایجاد کنیم و نسبت به برنامه‌ریزی درسی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی پیش حرفه‌ای اقدام نماییم.

سازمان آموزش و پرورش استثنایی بر خود واجب می‌داند از زحمات تمامی عزیزانی که در این حرکت مهم نقش اساسی ایفا کردند، به ویژه کارشناسان و معلمان مدارس استثنایی و همچنین سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و مراکز وابسته، صمیمانه تشکر و قدردانی نماید.

امید است معلمان، کارشناسان و صاحب نظران آموزش و پرورش استثنایی با نظرات ارزشمند خود در ارتقاء کیفی برنامه‌های درسی ارائه شده، این سازمان را بیش از پیش یاری نمایند.

سازمان آموزش و پرورش استثنایی

همکار گرامی

خدا را سپاس می‌گوییم که توانستیم کار تهیه و تولید کتاب فارسی را براساس آخرین دستاوردهای آموزشی به انجام برسانیم، امیدواریم که ره آورد آموزش این کتاب‌ها بهبود رشد و اعتلای آموزش این گروه از دانش‌آموزان باشد و همت بلند شما افق‌های تازه و روشنی را فرا روی ما بگشاید.

در استفاده از این کتاب که با ساخت و رویکردی نو تألیف شده است به نکات زیر توجه کنید:

۱- در کتاب به هر چهار مهارت زبانی (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن) به یک میزان توجه شده است و به همین دلیل کتاب فارسی شامل دو کتاب بخوانیم و بنویسیم است و اهمیت هیچ یک کمتر از دیگری نیست بنابراین در تدریس هر دو کتاب توجه و دقت یکسان لازم است.

۲- در هر فصل دو درس گنجانده شده است. که ساختار حول موضوعات (تحمیدیه، نهادها، اخلاق فردی و اجتماعی، نام‌ها و یادها، سرزمین من، اطلاعات و ارتباطات و نیایش) شکل گرفته است.

۳- در هر درس فعالیت‌های مختلفی پیش بینی شده که عبارتند از: درک و دریافت، بین و بگو، بگردوبیدان، واژه آموزشی، نکته، جمله‌سازی، فعالیت ویژه شامل: (لطیفه، جدول، چیستان و...)

۴- به منظور کمک به تقویت خط دانش‌آموزان و توانایی خوانانویسی توسط آنان در این کتاب از دو نوع خط استفاده شده است یکی خط خواندن و دیگری خط نوشتن. خط خواندن همان خطی است که بسیاری از کتاب‌های درسی با آن نوشته می‌شود و خط نوشتن خطی است که نوشتن تحریری را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد. برای نوشتن خط تحریری نیاز به آموزش جداگانه نیست. بلکه مبنا تمرین عملی دانش‌آموز و نمونه برداری از روی کتاب است. بنابراین ضرورتی برای برگزاری کلاس آموزش خط نیست.

۵- متن‌های روان‌خوانی که در بخش آخر هر فصل منظور شده است صرفاً برای تقویت مهارت خواندن دانش‌آموزان و به منظور تشویق ایجاد انگیزه برای مطالعه است بنابراین املاء و رونویسی، تمرین، پرسش امتحانی از این متن‌ها به عمل نمی‌آید.

۶- فعالیت کتاب بخوانیم فقط به منظور بحث و تبادل نظر گروهی و تقویت مهارت‌های شفاهی دانش‌آموزان است و نیاز به نوشتن پاسخ آنها در کتاب نیست.

۷- از همکاران محترم درخواست می‌شود قبل از تدریس کتاب، کتاب راهنمای معلم را به دقت مطالعه نمایند.

۸- لازم است دبیران گرامی، خانواده‌ها را با کتاب و روش‌های آموزش آن آشنا کنند تا هماهنگی آموزشی بین خانه و مدرسه ایجاد شود.

که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس

فهرست

درس اول: با خدای مهربان..... ۸

فصل اول: نهادها

درس دوم: روز جهانی پست..... ۱۴

درس سوم: مقررات عبور و مرور..... ۱۸

روان خوانی: کلاتتری..... ۲۲

فصل دوم: اخلاق فردی و اجتماعی

درس چهارم: یک روز خوب..... ۲۶

درس پنجم: مرد بازاری و عابر..... ۳۰

روان خوانی: قلک سفالی ام..... ۳۴

فصل سوم: نامها و یادها

درس ششم: ابو علی سینا..... ۳۸

درس هفتم : :سعدی ۴۲

روان خوانی :جناباغچه بان ۴۶

فصل چهارم: سرزمین من

درس هشتم: اصفهان ۵۰

درس نهم: نوروز..... ۵۴

روان خوانی: هنر قالی بافی ۵۸

فصل پنجم: اطلاعات و ارتباطات

درس دهم:رایانه ۶۲

درس یازدهم: ارتباطات ۶۶

روان خوانی: نمایشگاه کتاب..... ۷۰

درس دوازدهم: نیایش ۷۲

واژه نامه ۷۴

با خدای مهربان

دوست دارم خوب باشم
صاف و ساده مثل آب
مثل خورشیدی که دارد
نور گرم و آفتاب

* * *

دوست دارم پاک باشم
بهتر از گل های ناز
صورت من شبنم* بگیرد
صبح ها وقت نماز

* * *

دوست دارم دوست باشم
با خدای مهربان
دست هایم را بگیرم
رو به سوی آسمان

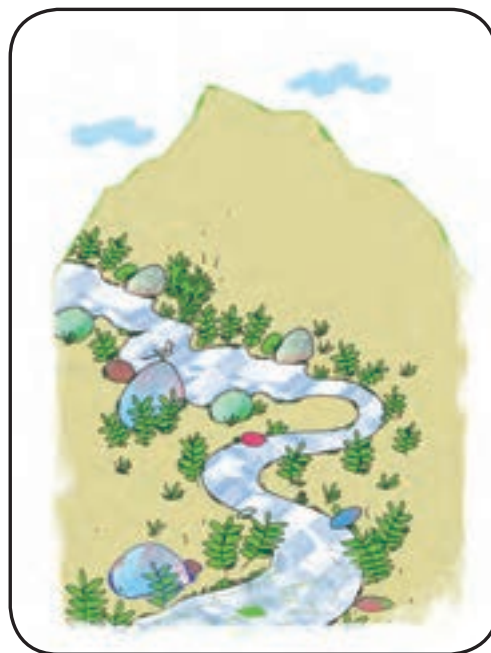
ناصر کشاورز



درک و دریافت

- ۱- شاعر دوست دارد چه چیزهایی باشد؟
- ۲- شاعر برای این که با خدای مهربان دوست باشد، چه می کند؟
- ۳- شعر با خدای مهربان از کیست؟
- ۴- خداوند چه کسانی را بیش تر دوست دارد؟

بین و بگو





کلمه‌ی «دوست» چند بار در درس تکرار شده است؟



در مورد نعمت‌هایی که خداوند به شما داده است، با دوستان خود صحبت کنید.

فصل اوّل

نهادها



روز جهانی پست

روز هفدهم مهرماه بود. دانش آموزان همراه با معلم خود سوار مینی بوس شدند. آن ها از این که برای بازدید* به اداره ی پست می رفتند، خوش حال بودند.

معلم از دانش آموزان خواست به گفته های آقای مرادی، کارمند* اداره ی پست توجه کنند. وقتی به اداره ی پست رسیدند، آقای مرادی با خوش رویی* جلو آمد و به بچه ها سلام کرد و خوش آمد گفت. او از بچه ها پرسید: ((آیا می دانید امروز چه روزی است؟)) بچه ها گفتند: ((هفدهم مهر ماه روز جهانی پست است.)) آقای مرادی گفت: ((آفرین به شما، بله من می خواهم امروز

شما را با بعضی از وظایف*

اداره ی پست آشنا کنم.))

بچه ها از قسمت های

مختلف اداره ی پست

دیدن کردند سپس آقای

مرادی از دانش آموزان

پرسید: ((کدام یک از

شما با وظایف اداره ی

پست آشنا هستید؟))

زهره جواب داد: رساندن

نامه ها از جایی به جای

دیگر برعهده ی اداره ی

پست است.

آقای مرادی گفت « بله

دخترم رساندن قبض های

آب، برق، گاز، تلفن

و تحویل بسته* های پستی



به مردم نیز از کارهایی است که پست انجام می دهد.»
هم چنین اگر مردم بخواهند کارها سریع تر* انجام گیرد، می توانند با تلفن تماس بگیرند تا مأموران پستی به منزل آن ها مراجعه* کرده، بسته یا نامه های آن ها را دریافت کنند. هم چنین با استفاده از پست تصویری* نیز می توان در زمان کوتاه تصویر نامه ها را به طور هم زمان به شهرهای بسیار دور فرستاد.
در پایان بازدید آقای مرادی تمبر روز جهانی پست را به عنوان یادگاری به دانش آموزان داد و گفت: «هر سال به مناسبت روز جهانی پست تمبری چاپ می شود.» بچه ها از این که با وظایف اداره ی پست بیش تر آشنا شده بودند، از آقای مرادی تشکر کردند.



درک و دریافت

- ۱- روز جهانی پست چه روزی است؟
- ۲- چند نمونه از وظایف اداره ی پست را بگویید.
- ۳- پست تصویری به ما چه کمکی می کند؟
- ۴- اگر پست وجود نداشت، ما با چه مشکلاتی روبه رو می شدیم؟

بین و بگو

برای هر تصویر یک جمله بگویید.





نکته

خوش + حال < خوش حال

خوش + رویی < خوش رویی

حالا تو بگو:

پست + خانه <

گل + فروش <



بگرد و پیدا کن

۱- کلماتی را که با «می» شروع می شود، از درس پیدا کنید.

۲- آقای مرادی در آخرین جمله به بچه ها چه گفت؟



فعالیت ویژه

دانش آموزان به اداره ی پست بروند و مراحل ارسال و دریافت پست تصویری را مشاهده کنند.

مقررات عبور و مرور

شما هر روز که از خانه بیرون می آید، ممکن است با صحنه‌های *مختلفی روبه رو* شوید؛ مانند:

- چند ماشین که با هم برخورد کرده اند.

- موتور سوارانی که با سرعت زیاد باعث *ترس و نگرانی مردم می شوند.

- وسایل نقلیه‌ای که با عابران پیاده تصادف کرده اند.

به نظر شما دلیل به وجود آمدن این اتفاق‌ها چیست؟

با افزایش تعداد وسایل نقلیه، مشکلات زیادی در عبور و مرور و برقراری نظم در جامعه ایجاد شده است.

اداره ی راهنمایی و رانندگی وظیفه دارد نظم را در جامعه برقرار کند؛ اما بدون کمک مردم نمی تواند موفق شود.



- مهم ترین وظایف این اداره عبارت است از:
- رفت و آمد وسایل نقلیه را در سراسر کشور کنترل می کند.
 - رانندگانی که مقررات عبور و مرور را رعایت نمی کنند؛ شناسایی و جریمه می کند.
 - هم چنین از افرادی که می خواهند گواهی نامه ی رانندگی بگیرند، امتحان می گیرد و در صورت قبولی به آن ها گواهی نامه می دهد.
 - در مکان های مختلف علایم و تابلوهای راهنمایی نصب می کند.
 - از رفت و آمد وسایل نقلیه ی دودزا و آلوده کننده جلوگیری می کند.
 - با استفاده از صدا و سیما، روزنامه و... مقررات رفت و آمد را به مردم آموزش می دهد.
 - پس توجه و رعایت کردن به مقررات راهنمایی و رانندگی به ما کمک می کند ، با سلامت و آرامش رفت و آمد کنیم.



درک و دریافت

- ۱- شما در خیابان ممکن است چه صحنه هایی را ببینید؟
- ۲- چند وظیفه اداره ی راهنمایی و رانندگی را بگویید.
- ۳- داشتن چه مدرکی برای رانندگی لازم است ؟
- ۴- چگونه می توانیم به برقراری نظم در جامعه کمک کنیم؟

بین و بگو

برای هر تصویر یک جمله بگویید.





نکته

درد + ناک < دردناک

غم + ناک < غمناک

حالا تو بگو:

خطر + ناک <

ترس + ناک <

..... + ناک < وحشتناک

نم + < نمناک



بگرد و پیدا کن

۱- کلمه هایی را که در آخر آن ها «ات» و «ها» وجود دارد، پیدا کنید.

۲- کلمه های ستاره دار درس را پیدا کنید.



فعالیت ویژه

نمایش عبور از خط عابر پیاده را با استفاده از چراغ راهنمایی و پلیس در کلاس اجرا کنید.

وقتی حسین و مادرش از بانک خارج شدند. مردی را دیدند که با صدای بلند فریاد می‌زد و می‌گفت: «موتورم نیست. من آن را این جا پارک کرده بودم. موتورم را دزدیدند.»
با سروصدای آن مرد، عده‌ای دور او جمع شدند. یک نفر گفت: «برو به کلانتری خبر بده!»
حسین از مادر پرسید: «چرا باید به کلانتری بروم؟»



مادر گفت: «اگر چیزی گم یا دزدیده شود باید بلافاصله به کلانتری محل خبر داد تا مأموران با جست و جو کسانی را که دزدی کرده‌اند، دستگیر کنند.»
حسین گفت: «اگر کسی هم گم شود؛ به کلانتری خبر می‌دهند؟»
مادر گفت: «بله، پیدا کردن افراد گم شده هم یکی دیگر از وظایف مأموران کلانتری است. مأموران انتظامی و کلانتری، نظم جامعه را به عهده دارند. ما باید همیشه با مأموران انتظامی همکاری کنیم. حسین در دلش دعا کرد که هر چه زودتر موتور آن مرد پیدا شود.»



فصل دوم

اخلاق فردی و اجتماعی



یک روز خوب

آن روز وقتی مریم از مدرسه برگشت، به اتاق پدر بزرگ رفت و گفت: «کاش من یک فرشته بودم.» پدر بزرگ فکری کرد و جواب داد: «تو می توانی یک فرشته در روی زمین باشی.» مریم با خوش حالی گفت: «واقعاً!» پدر بزرگ گفت: «بله، اما برای فرشته شدن، راه های زیادی وجود دارد. از این به بعد با دقت به اطرافت نگاه کن و درباره ی همه چیز خوب فکر کن.»

صبح روز بعد وقتی مریم از خواب بیدار شد؛ سعی کرد با دقت به اطرافش نگاه کند. در اتاق همه چیز مانند همیشه بود. اما بیرون باران می بارید و پنجره ی اتاق خیس شده بود. مریم با خود فکر کرد، چه قدر باران پاک و زیباست و به یاد حرف مادر بزرگ افتاد که همیشه می گفت: «باران رحمت* خداست». مریم آماده شد تا به مدرسه برود. در راه مدرسه زن فقیری* را دید که کودکی در آغوش* داشت، آن زن همیشه همان جا می نشست؛ اما اولین بار بود که مریم با دقت به آن زن نگاه می کرد و می خواست پولی به او بدهد. ناگهان به یاد حرف خانم معلم افتاد که همیشه می گفت: «به هر کسی که از شما پول درخواست می کند، کمک نکنید؛ چون باعث می شود آن ها به دنبال کار نروند و هیچ تلاش و کوششی نکنند.» مریم به کودکی که در آغوش زن بود نگاه کرد، آن کودک می گفت: «گرسنه ام!»

مریم بیسکویت و سیبی را که همراه داشت به او داد. کودک آن ها را گرفت و شروع به خوردن کرد. مریم با خوش حالی به مدرسه رفت. زنگ تفریح، همه ی بچه ها در حیاط مدرسه با هم بازی می کردند. اما یکی از دانش آموزان تنها روی پله نشست. مریم هر روز او را می دید. ولی توجهی به او نداشت.

او کنار دختر رفت و گفت: «اسم من مریم است، اسم شما چیست؟» او جواب داد: «عاطفه» مریم گفت: «می خواهی با هم دوست شویم؟» عاطفه با خوش حالی سرش را تکان داد و به مریم لبخند زد.

بعد از ظهر مریم هر چه را دیده بود؛ برای پدر بزرگ تعریف کرد و گفت: «پدر بزرگ امروز برای من روز خوبی بود؛ چون با همه ی روز های دیگر فرق داشت.»

پدر بزرگ گفت: «تو امروز لطف* خداوند را دیدی؛ کودکی را خوش حال کردی و با دختری



دوست شدی، «مریم نفس بلندی کشید و همان جا که نشسته بود به آسمان نگاه کرد. ابرها کنار رفته بودند و آسمان آبی، بیش تر از همیشه به او آرامش می بخشید.

درک و دریافت

- ۱- آرزوی مریم چه بود؟
- ۲- پیشنهاد پدر بزرگ به مریم چه بود؟
- ۳- مریم چه کمکی به آن کودک گرسنه کرد؟
- ۴- اگر جای مریم بودید چه آرزویی می کردید؟

بین و بگو

برای هر تصویر یک جمله بگویید.





نکته

در کلمه های خندان، خندیدن، لبخند، خنده، کلمه ی «خند» مشترک است.
در کلمه های راه بندان، راه رفتن، چهارراه ، کلمه ی « راه» مشترک است.
حالا بگو: در کلمه های زیر، کدام کلمه ها، مشترک است؟

| | |
|---------|--------|
| خوش بو | سر سبز |
| خوش حال | سردرد |
| خوش بخت | سرباز |



بگرد و پیدا کن

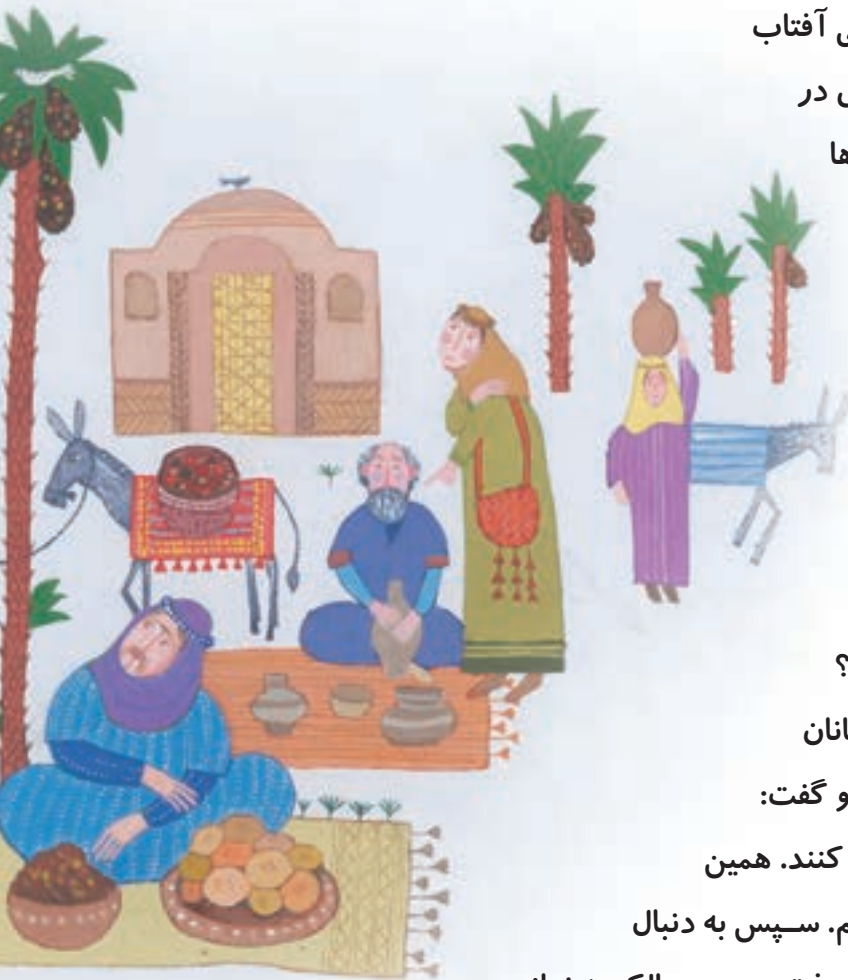
- ۱- جمله هایی را که نشانه ی « » دارند؛ پیدا کنید.
- ۲- جمله هایی را که نشانه ی « : » دارند، پیدا کنید.



فعالیت ویژه

داستان درس را به صورت یک نمایش اجرا کنید.

مرد بازاری و عابر



روزی مردی درشت اندام* با صورتی آفتاب خورده، از بازار می گذشت. عده ای در کنار هم نشسته بودند. یکی از آن ها برای آن که دوستانش را بخنداند، مُستی سبزی گندیده از روی زمین برداشت و به طرف عابر پرتاب کرد. مرد عابر بدون آن که ناراحت شود، همان طور با قدم های محکم* به راه خود ادامه داد. همین که دور شد، یکی از دوستان آن مرد به او گفت: «آیا او را، شناختی؟ او مالک اشتر فرماندهی سپاه مسلمانان است.» مرد بازاری به شدت ترسید و گفت:

«الآن* دستور خواهد داد تا مرا تنبیه کنند. همین

حالا می روم و از او عذرخواهی* می کنم. سپس به دنبال

مالک اشتر، که به طرف مسجد می رفت، دوید. مالک به نماز

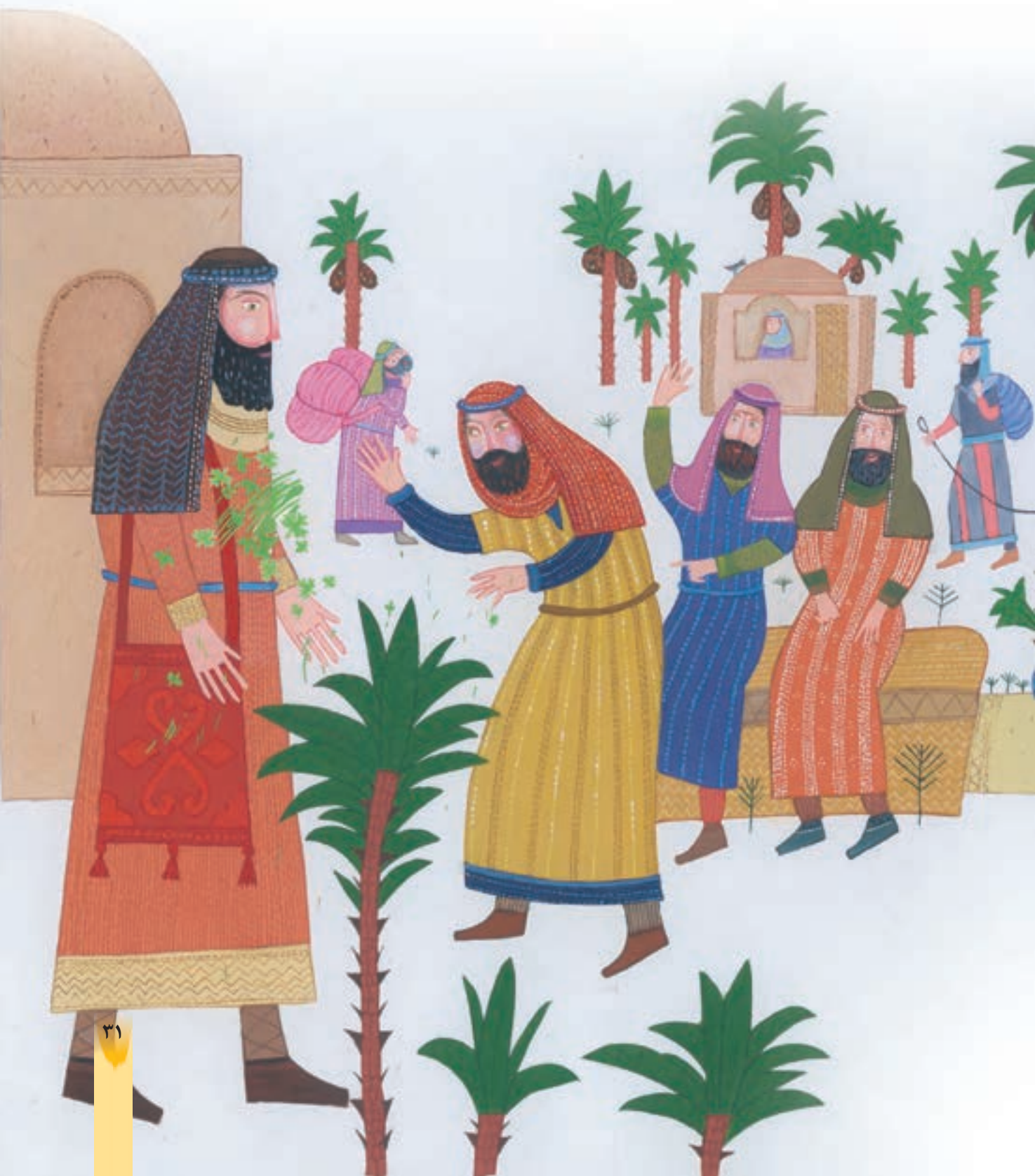
ایستاده بود. مرد منتظر شد تا او نمازش را تمام کند. بعد از سلام، با خجالت و

شرمندگی خود را معرفی کرد و گفت: ((من همان کسی هستم که به شما سبزی پرتاب کردم.

از کار بد خود خجالت می کشم و از شما می خواهم که مرا ببخشید.))

مالک گفت: ((من تو را بخشیدم. به خدا قسم به مسجد آمدم تا برای تو دعا کنم و از خدا بخواهم

تو را هدایت* کند تا باعث ناراحتی دیگران نشوی.))



درک و دریافت

- ۱- مرد بازاری چه رفتاری با مالک اشتر کرد؟
- ۲- مالک اشتر به کجا رفت؟
- ۳- چرا مالک اشتر برای آن مرد دعا کرد؟
- ۴- اگر شما جای مالک اشتر بودید، چگونه برخورد می کردید؟

بین و بگو

برای هر تصویر یک جمله بگویید.





نکته

برای شمارش هر چیز، کلمه ی مخصوص آن را به کار می بریم؛ مثلاً وقتی می گوییم سه دستگاہ تلفن؛ یعنی سه عدد تلفن.

وقتی می گوییم چهار تخته فرش؛ یعنی چهار عدد فرش.

حالا بگو این کلمه ها را برای شمارش چه چیزهایی به کار می برند؟

جلد

جفت

دست



بگرد و پیدا کن

۱- ده کلمه از درس را که بی نقطه هستند، پیدا کنید و بگویید.

۲- سه کلمه از درس را که پنج نقطه دارند، پیدا کنید و بگویید.



فعالیت ویژه

خلاصه ی درس را بگویید.

روان خوانی

قلک سفالی ام

قلک سفالی ام دگر

غرق سگه است و اسکناس

می شود چه چیزها خرید!

دفتر و خوراکی و لباس ...

تا که بشکند به دست من

می کشد مرا به سوی خود

یعنی: ای پسر، رسیده ای

عاقبت به آرزوی خود!

من برای جمع کردنش

رنج بی شمار برده ام

کار کرده ام دمِ دکان

کیک و بستنی نخورده ام

قلک سفالی من است

شاهد تلاش و کار من

عاقبت ولی به سر رسید

روزهای انتظار من

حال، می روم دمِ دکان

هدیه ای قشنگ می خرم

هدیه ای که آرزوم بود

هدیه ای برای مادرم

شاعر: افشین علاء



فصل سوم

نام‌ها و یادها



ابوعلی سینا



ابوعلی سینا یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان ایرانی است. سال‌های کودکی را به آموختن قرآن و ادبیات گذراند. در ده سالگی حافظ قرآن شد. سپس به آموختن علوم دینی پرداخت.

ابوعلی سینا با هوش زیادی که داشت، علم پزشکی را نیز آموخت*. او بیش‌تر عمر خود را صرف مطالعه و یادگیری کرد. هر گاه مسئله‌ای را نمی‌فهمید به مسجد می‌رفت تا با نماز خواندن، خداوند فهم آن موضوع را برایش آسان کند. او کتاب‌های زیادی درباره‌ی علم پزشکی نوشت؛ که از آن جمله، دو کتاب «شفا» و «قانون» است.

ابوعلی سینا در دوران زندگی خود بیماران زیادی را مداوا* کرد. یکی از بیماران او امیرزاده‌ای* بود که فکر می‌کرد گاو است. غذا نمی‌خورد و اصرار* داشت تا او را بکشند. هیچ‌طیبی* تا آن زمان نتوانسته بود وی را معالجه کند. ابوعلی سینا برای درمان امیرزاده لباس قصاب‌ها را به تن کرد و کاردی در دست گرفت و دستور داد تا دست‌های او را ببندند. سپس کارد را برگلوی بیمار گذاشت و وانمود* کرد که می‌خواهد او را بکشد؛ اما ناگهان گلوی امیرزاده را رها کرد،

دستی بر بازوهایش کشید و گفت: «این گاو خیلی لاغر است و به درد کشتن نمی خورد به او آب و غذا دهید تا چاق شود.» امیر زاده برای این که چاق شود، شروع به خوردن غذا کرد. ابوعلی سینا توانست از این راه داروهای لازم را به او بدهد بعد از مدتی امیرزاده حالش خوب شد. ابوعلی سینا بعدها به همدان رفت و در آن جا به مداوای بیماران پرداخت و کتاب‌های زیادی نوشت و در سن پنجاه و هشت سالگی در همان شهر درگذشت.*



درک و دریافت

- ۱- ابوعلی سینا چه علمی را فراگرفت؟
- ۲- نام دو کتاب ابوعلی سینا را بگویید.
- ۳- ابوعلی سینا برای مداوای امیرزاده چه کار کرد؟
- ۴- نظر شما درباره ی ابوعلی سینا چه می باشد؟

بین و بگو

برای هر تصویر یک جمله بگویید.



آرامگاه بابا طاهر



آرامگاه ابوعلی سینا



خوب دقت کنید.

- من از خانه تا مدرسه پیاده می روم.
 - محمد به خانه ی برادرش رفت.
 - من در مدرسه درس می خوانم.
 - مینا برای دوستش هدیه خرید.
- حالا تو بگو:

- گرگ شیر ضعیف تر است.
- رضا تهران زندگی می کند.
- امیر دوستش مدرسه رفت.
- فاطمه مادرش هدیه خرید.



- ۱- کلمه هایی را که (ص - ط) دارند، از درس پیدا کنید و بگویید.
- ۲- کلمه هایی را که (ع ، ع ، ع) دارند، از درس پیدا کنید و بگویید.



به کتابخانه ی مدرسه مراجعه کنید، دو کتاب علمی انتخاب کنید و نام کتاب و نام نویسنده آن ها را به دوستانتان بگویید

سعدی



سعدی اهل شیراز بود. او دوران کودکی و نوجوانی را در شیراز گذراند و برای ادامه‌ی تحصیل* به بغداد رفت. سعدی به جاهای دیگری؛ مانند: سوریه، لبنان و روم سفر کرد. هم‌چنین برای زیارت* خانه‌ی خدا به مکه رفت. سرانجام پس از سی و پنج سال سفر به شیراز برگشت و از خاطرات سفر خود داستان و شعرهایی نوشت که حاصل آن دو

کتاب بزرگ «گلستان» و «بوستان» است. این کتاب‌ها از افتخارات* ملی و مذهبی ما ایرانیان است.

سعدی با قرآن و احادیث* نیز آشنایی کامل داشت. مردم کشور ما از گذشته تا کنون با آثار این شاعر بزرگ آشنا هستند و در سخن گفتن از جملات شیرین او استفاده می‌کنند. بسیاری از مردم دنیا نیز اشعار سعدی را با علاقه می‌خوانند.

اگر روزی به شیراز رفتید، حتماً از آرامگاه* سعدی دیدن کنید.

نوشته‌های سعدی بسیار زیبا است. او در کوتاه‌ترین نوشته‌ها بهترین داستان‌ها را بیان کرده است. بیش‌تر داستان‌های او همراه با پند و اندرز* است.

حکایت هایی از گلستان سعدی

«لقمان حکیم* را گفتند: «ادب از که آموختی؟» گفت: «از بی ادبان، هرچه از ایشان در نظرم ناپسند* آمد، پرهیز* کردم.»

دو کس رنج بیهوده* بردند و سعی* بی فایده کردند. یکی آن که اندوخت* و نخورد و دیگر آن که آموخت و نکرد.

چون عمل در تو نیست نادانی*

علم چندان که بیش تر خوانی

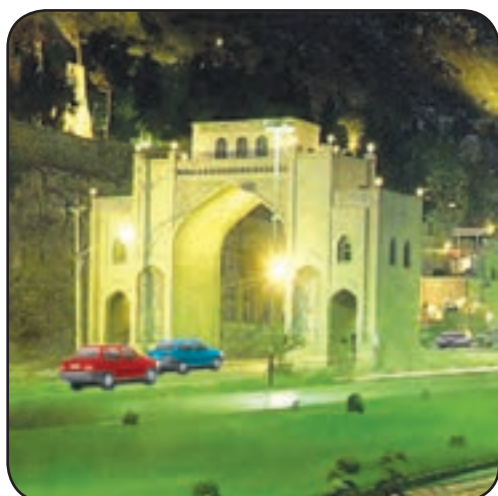


درک و دریافت

- ۱- موضوع درس درباره ی چه کسی است؟
- ۲- سعدی برای ادامه ی تحصیل به کجا رفت؟
- ۳- نام دو کتاب از کتاب های سعدی را بگویید.
- ۴- از حکایت های سعدی چه چیزهایی یاد گرفته اید؟

بین و بگو

برای هر تصویر یک جمله بگویید.



دروازه قرآن



آرامگاه حافظ



آرامگاه سعدی



بعضی کتاب ها، مانند شاهنامه ی فردوسی و بوستان سعدی فقط شعر هستند. بعضی کتاب ها هم به صورت نثر هستند. نثر نوشته ای است که به صورت شعر نباشد؛ اما کتاب هایی نیز هست که در آن نثر و شعر با هم آمده است؛ مانند: گلستان سعدی.



کلمه ی «سفر» چند بار در درس آمده است؟ پیدا کنید و بگویید.
- کلمه های ستاره دار درس را پیدا کنید و بگویید.



- یک حکایت دیگر از سعدی انتخاب کنید و در کلاس بخوانید.



روزی مردی به ساندویچ فروشی رفت و گفت: «لطفاً یک نوشابه بدهید.» فروشنده گفت: «نوشابه ها گرم است.» مرد گفت: «توی نعلبکی می ریزم تا خنک شود.»

روان خوانی

جَبَّار باغچه بان

جَبَّار باغچه بان در شهر تبریز به دنیا آمد. او کودکی کنجکاو و فعّال بود. در کودکی به شعر و نقّاشی علاقه زیادی داشت.

باغچه بان شغل آموزگاری را بسیار دوست داشت، به همین سبب بعد از پایان تحصیلش در یک مدرسه مشغول به کار شد. سپس در شهر تبریز کودکستانی ایجاد کرد و نام آن را «باغچه‌ی اطفال» گذاشت.

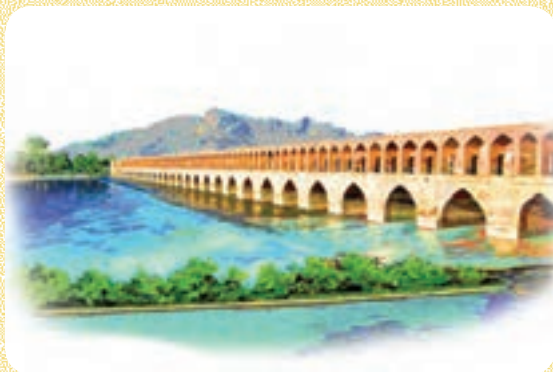
یک روز، مادری کودک خود را به باغچه‌ی اطفال آورد و گفت: «فرزندش ناشنوا است و دلش می‌خواهد به مدرسه برود، ولی در هیچ مدرسه‌ای نمی‌توانند به او خواندن و نوشتن بیاموزند.» باغچه بان با دیدن کودک تصمیم گرفت کار تازه‌ای برای آموزش این کودکان آغاز کند و توانست برای اولین بار خواندن و نوشتن را به دانش آموزان ناشنوا یاد دهد. سپس در تهران مدرسه‌ی بزرگ باغچه بان را ایجاد و با این کار به بچه‌های ناشنوا کمک بزرگی کرد.

هر سال، در مدارس ناشنویان، برنامه هایی به یاد جبار باغچه بان، معلم دلسوز و دوست خوب
بچه ها برگزار می شود و یاد او را گرامی* می دارند.



فصل چہارم

سرزمین من



اصفهان

به یاد می آورم روزی را که قرار بود با یک شرکت گردشگری به اصفهان برویم. خیلی خوش حال بودم. راهنمای گردشگری در ابتدای سفر از شهر تاریخی اصفهان و دیدنی های آن و برنامه ی سفر برای ما صحبت کرد. خوش حال بودم که می توانم از نزدیک این شهر تاریخی را ببینم؛ چون تا آن روز مطالب زیادی درباره ی اصفهان و دیدنی هایش شنیده بودم.

ابتدا به دیدن میدان نقش جهان رفتیم. آب نمای* بزرگی وسط میدان بود. هم چنین درشکه هایی که مسافران علاقه مند را دور میدان می گرداند. در این میدان، عمارت* بسیار زیبای عالی قاپو و مسجد تاریخی شیخ لطف الله توجّه هر بیننده ای را به خود جلب می کرد.

راهنما، ما را به طرف عمارت عالی قاپو هدایت کرد. از ایوان این عمارت تمامی میدان نقش جهان دیده می شد و من در آن جا، هنرمندانی که این بنای زیبا را به یادگار گذاشته اند، تحسین* کردم.

سپس به بازار صنایع دستی اصفهان که دور تا دور میدان نقش جهان بود رفتیم و از کارهای دستی زیبایی؛ مانند: خاتم کاری، مینیاتور، منبت کاری، قلم زنی، سفره های قلم کار و ... دیدن کردیم.

هنرهای دستی اصفهان برای همه ی مسافران ایرانی و خارجی جالب بود. بعد از صرف* غذا از پل تاریخی سی و سه پل که روی رودخانه ی زاینده رود قرار دارد، دیدن کردیم. فردای آن روز به دیدن کاخ چهل ستون رفتیم. این کاخ یک ایوان بزرگ و بیست ستون دارد که وقتی تصویر همان بیست ستون در آب حوض مقابل عمارت می افتد، چهل ستون



به نظر می‌رسد.

هم چنین نقاشی‌های زیبایی روی دیوارهای کاخ وجود دارد که باعث عظمت* و زیبایی آن کاخ شده است. در اطراف عمارت چهل ستون درختان سبز و گل‌های رنگارنگ، چشمان گردشگران* را به خود خیره می‌کند.

در راه برگشت، با خود فکر می‌کردم در سفر بعدی به شهر اصفهان حتماً از آثار دیدنی دیگر مانند: منارجنبان، باغ پرندگان، پل خواجه و... دیدن خواهم کرد.

درک و دریافت

- ۱- نام چند جای دیدنی شهر اصفهان را بگویید.
- ۲- نام چند نمونه از صنایع دستی اصفهان را بگویید.
- ۳- نام رودی را که از اصفهان می‌گذرد، بگویید.
- ۴- چه آثار تاریخی دیگری از اصفهان می‌شناسید؟

بین و بگو

برای هر تصویر یک جمله بگویید.





نکته

به جمله‌های زیر دقت کنید.

احمد غذایش را خورد.

احمد غذایش را نخورد.

این انار ترش است.

این انار ترش نیست.

حالا تو بگو:

دیشب باران تندی می بارید.

.....

فریده مسابقه را بُرد.

.....

همه‌ی شاگردان در کلاس هستند.

.....



بگرد و پیدا کن

۱- شش کلمه از درس را که با حرف «ر» شروع شده است، پیدا کنید و بگویید.

۲- شش کلمه از درس را که آخر آن «ن» باشد، پیدا کنید و بگویید.



فعالیت ویژه

تا حالا به کدام یک از جاهای دیدنی ایران سفر کرده‌اید، درباره‌ی آن با هم‌دیگر صحبت کنید.



باهم بخندیم

مردی به اصفهان می‌رود. برایش پولکی می‌آورند. وقتی پولکی را می‌خورد می‌گوید: «چه

چیپس شیرینی!»

نوروز

بهار در راه است. با آمدن بهار پرستوها از دور دست ها باز می گردند. زمین از خواب بیدار می شود، شاخه های به خواب رفته جوانه می زنند، باغ ها، دشت ها و کشتزارها سرسبز می شوند، رودها پر آب می شوند. درختان گل و شکوفه می دهند و جانوران از خواب زمستانی برمی خیزند.* حالا می توان آمدن فصل بهار را احساس کرد.

هزاران سال است که بسیاری از مردم جهان، اولین روز سال جدید خود را مانند ما ایرانیان جشن می گیرند. روز اول فروردین، نخستین روز سال نو در کشور ماست. این روز را نوروز می گویند.

نوروز یکی از قدیمی ترین و قشنگ ترین اعیاد* ایرانی ها است. هنگام تحویل سال نو* مردم در کنار سفره هفت سین می نشینند و با خواندن قرآن به استقبال* سال جدید می روند. سفره هفت سین برای ما نشانه هایی از ایمان، پاکی، سرسبزی، زندگی، برکت، روشنائی و شادکامی* به همراه دارد.

در نوروز مردم لباس نو می پوشند و برای دید و بازدید به دیدار یک دیگر می روند. کوچک ترها

به دیدن بزرگ ترها می روند و از آن ها عیدی می گیرند. مردم با آمدن عید نوروز غصه ها را دور می ریزند و به استقبال شادی ها می روند.
در همین ایام، مردم به زیارت آرامگاه شهیدان و درگذشتگان خود می روند.
چه خوب است همه ی ما، نوروز را با خوش حال کردن دیگران شروع کنیم تا نوروزی زیباتر و قشنگ تر داشته باشیم.



درک و دریافت

- ۱- نخستین روز سال نو را در کشور ما چه می گویند؟
- ۲- سفره ی هفت سین برای مردم ایران چه نشانه هایی به همراه دارد؟
- ۳- مردم در عید نوروز چه کار می کنند؟
- ۴- چگونه می توان در عید نوروز مردم را خوش حال کرد؟

بین و بگو

برای هر تصویر یک جمله بگویید.





دقت کنید.

می توانیم با اضافه کردن یک کلمه به کلمه ی دیگر، کلمه ی جدید درست کنیم.

باغ + سبز < باغ سبز

مثال: باغ سبز - باغ بزرگ - باغ قشنگ - باغ کوچک - باغ زیبا - باغ من - باغ گیلاس

با کلمه های «گل» و «روز»؛ مانند نمونه چهار کلمه ی جدید بسازید.

گل

روز




۱- کلمه هایی را از درس که «ها» دارند پیدا کنید و بگویید.

۲- کلمه هایی را از درس که « تر ، ترین » دارند پیدا کنید و بگویید.



در محلّ زندگی شما نوز چگونه بر گزار می شود؟ در مورد آن در کلاس صحبت کنید.



روان خوانی

هنر قالی بافی

مدرسه ها که تعطیل شد، من برای گذراندن تعطیلات تابستانی به منزل مادربزرگم رفتم. او در یکی از روستاهای نزدیک کاشان زندگی می کند. من همیشه از دیدن او خوش حال می شوم. مادربزرگم زن هنرمندی است و در تمام مدّت مشغول انجام کارهای مختلف است.

در اتاق مادربزرگ یک دار بزرگ قالی دیدم. به او گفتم: «چه قالی زیبایی می بافید؟»

مادربزرگ گفت: «بله پسرم، من روزها که فرصت پیدا می کنم قالی می بافم. گاهی عمّه فاطمه هم به من کمک می کند. قالی بافی یکی از هنرهای قدیمی ایرانیان است. قالی های ایران در دنیا معروف است.»

من گفتم: «مادربزرگ، من در مدرسه کمی قالی بافی یاد گرفته ام آیا می توانم به شما کمک کنم؟»

مادر بزرگ خوش حال شد و گفت: «تا وقتی که این جا هستی، می توانی در بافتن قالی به من کمک کنی.»



فصل پنجم

اطلاعات و ارتباطات^۳



رایانه*

ما انسان‌ها موجوداتی کنجکاو و پرتلاش هستیم و می‌خواهیم همه چیز را بدانیم. برای مثال: به رادیو گوش می‌دهیم، روزنامه می‌خوانیم، تلویزیون تماشا می‌کنیم و هر روز خبرهای تازه‌ای را می‌شنویم که جدید و شگفت‌انگیز* هستند؛ خبرهایی در باره‌ی اختراعاتی که انجام شده یا آزمایش‌هایی که به نتایج موفقیت‌آمیز رسیده است. یکی از اختراعات بزرگ انسان‌ها رایانه یا کامپیوتر است. آیا دوست دارید با این

اختراع بزرگ بیش‌تر آشنا شوید؟

همان‌طور که می‌دانید در گذشته انسان‌ها برای شمارش گاو، گوسفند و هر چیز دیگری از انگشتان دست خود استفاده می‌کردند؛ اما کم‌کم آموختند از وسایل دیگری، مانند چرتکه که کار شمارش را آسان‌تر می‌کرد، استفاده کنند. امروزه به کمک رایانه‌ها می‌توانیم کارها را سریع‌تر* انجام دهیم، مسئله‌های گوناگون را حل کنیم، نامه بنویسیم، کتاب و روزنامه بخوانیم، نقاشی بکشیم، فعالیت‌های مفید و سرگرم‌کننده‌ای انجام دهیم و خبرها و اطلاعات لازم را به دست آوریم.

در بسیاری از مشاغل*؛ مانند: بانک‌ها، فروشگاه‌ها، مدرسه‌ها، خانه‌ها و ... برای



انجام کارها از رایانه استفاده می شود.
شاید کلمه‌ی «اینترنت» را شنیده باشید. رایانه را می توان به شبکه ی اینترنت وصل کرد و تازه ترین خبرها را درباره ی اختراعات* و اکتشافات* از گوشه و کنار جهان به دست آورد.
هرکسی می تواند در خانه ی خود با استفاده از اینترنت، اطلاعات مورد نیاز خود را در زمینه های مختلف آموزشی، هنری، ورزشی - پزشکی و... به دست آورد.
رایانه برای انسان هنوز وسیله ای جدید است. آیا به نظر شما رایانه ها می توانند روزی به جای ما کارها را انجام دهند؟



درک و دریافت

- ۱- نام یکی از اختراعات بزرگ انسان را که در این درس آمده بگویید.
- ۲- در گذشته انسان ها برای شمارش از چه وسایلی استفاده می کردند؟
- ۳- به کمک رایانه چه کارهایی را می توانیم انجام دهیم؟
- ۴- فکر کنید رایانه ای دارید که همه کار می کند . شما چه کارهایی از او می خواهید؟

بین و بگو

برای هر تصویر یک جمله بگویید.





توجه کنید.

جمع

ما روزنامه می خوانیم.
شما روزنامه می خوانید.
آنها روزنامه می خوانند.

مفرد

من روزنامه می خوانم.
تو روزنامه می خوانی.
او روزنامه می خواند.

کلمه های «می خوانم، می خوانی و می خواند» فقط به یک شخص نسبت داده می شود. کلمه ای را که به یک شخص نسبت می دهیم، «مفرد» می گوئیم.
کلمه های «می خوانیم، می خوانید، می خوانند» به چند شخص نسبت داده می شود. کلمه ای را که به چند شخص نسبت می دهیم، «جمع» می گوئیم.



- ۱- کلمه هایی از درس راکه با (ش) شروع می شوند، پیدا کنید و بگوئید.
- ۲- جمله هایی از درس راکه در آن کلمه ی (اینترنت) آمده است، پیدا کنید و بگوئید.



آیا شما با رایانه آشنا هستید؟ چه استفاده ای از آن می کنید؟ توضیح دهید؟



یک سیر و یک پیاز باهم دعوا می کنند. سیر گفت: «حیف که سیر هستم و گرنه تو را می خوردم.»

ارتباطات

بیشترین دوران زندگی ما صرف ایجاد ارتباط می‌شود. ارتباطات؛ یعنی ردّ و بدل* کردن اطلاعات و دانش. می‌توان گفت برای انجام هر فعالیت ناچار به برقراری ارتباط هستیم؛ مانند گوش دادن به صحبت‌های یک معلم، گفت و گو با یک دوست، مطالعه‌ی یک کتاب و حتی تماشای تلویزیون. ما بسیاری از مطالب را از طریق برقراری ارتباط یاد می‌گیریم و بر دانش خود می‌افزاییم* تا زندگی بهتری داشته باشیم.

استفاده از کلمات و تصاویر از قدیمی‌ترین راه‌های ارتباطی است. به طوری که ما از طریق این کتاب با شما ارتباط برقرار می‌کنیم و شما هم برای برقرار کردن ارتباط با دیگران از نامه، تلفن، پست تصویری و... استفاده می‌کنید.

برای برقراری هر ارتباط به یک فرستنده و یک گیرنده نیاز داریم. ارتباط بین دو نفر؛ مانند گفت و گوی تلفنی با یکی از بستگان، یا ارسال* نامه به یک دوست،



ارتباط شخصی نامیده می شود؛ اما اگر بخواهیم به افراد بیش تری اطلاع رسانی کنیم به وسایل ارتباط جمعی؛ مانند روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، رایانه و... نیاز داریم.

راستی اگر ارتباط وجود نداشت، ما انسان ها چگونه زندگی می کردیم؟! پس بیاید چند لحظه باهم در مورد اهمیت و ارزش ارتباط فکر کنیم، آن وقت خواهیم دید همه ی پیشرفت های علمی، پزشکی، ورزشی و... را از برقراری ارتباطات خوب به دست آورده ایم.

درک و دریافت

- ۱- ارتباط یعنی چه؟
- ۲- نام قدیمی ترین وسیله ی ارتباط جمعی را بگویید.
- ۳- نام چند وسیله ی ارتباط جمعی را بگویید.
- ۴- شما چگونه از وسایل ارتباط جمعی استفاده می کنید؟

بین و بگو

برای هر تصویر یک جمله بگویید.





نکته

کلمه های زیر را بخوانید.

شایسته < شایستگی

گرسنه < گرسنگی

تشنه < تشنگی

همه < همگی

بچه < بچگی

همیشه < همیشگی

حالا تو بگو:

راننده

زنده

نماینده



بگرد و پیدا کن

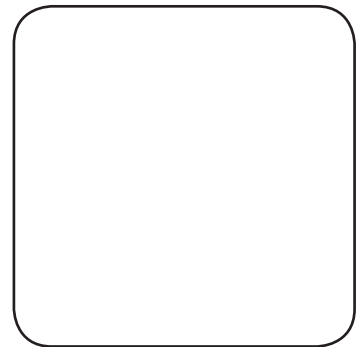
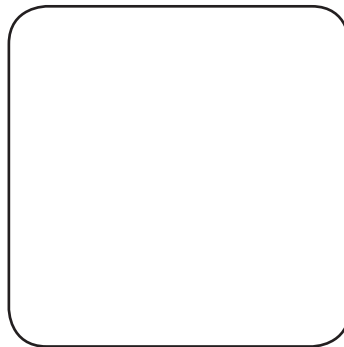
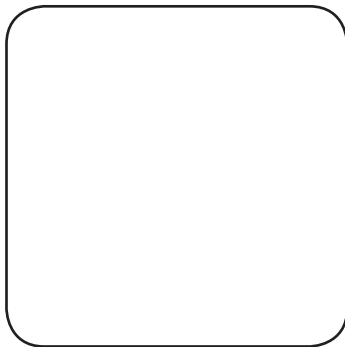
۱- کلمه هایی را که در آن ها حرف «ط» آمده است، پیدا کنید و بگویید.

۲- جمله ی آخر درس را پیدا کنید و بگویید.



فعالیت ویژه

تصویر چند وسیله ی ارتباط جمعی را پیدا کنید و در جاهای خالی بچسبانید.



چیستان

- چه کسی از گل بدش می آید؟

- آن چیست که سه چشم و یک پا دارد؟

روان خوانی

نمایشگاه کتاب

معلم وارد کلاس شد، تصویری را روی دیوار نصب کرد. پایین تصویر نوشته بود: «هفته ی کتاب را گرامی می داریم.» سپس معلم به دانش آموزان گفت: «از امروز هفته ی کتاب شروع می شود. در این هفته، نمایشگاه های کتاب برگزار می شود. علی پرسید: «نمایشگاه کتاب چه جور جایی است؟ معلم

نشر مهربان



گفت: «نمایشگاه کتاب جایی است که کتاب‌های مختلف و جدید در آن جا به نمایش گذاشته می‌شود تا مردم آن‌ها را ببینند. ما، در نمایشگاه کتاب می‌توانیم کتاب‌های داستانی، علمی و هنری را با قیمت ارزان‌تر بخریم.»

امید پرسید: «هر کس چند جلد کتاب می‌تواند از نمایشگاه بخرد؟»

معلم گفت: «هر چند جلد کتاب که بخواهید می‌توانید از نمایشگاه بخرید.»

سپس گفت: «اگر بخواهید می‌توانیم از یکی از نمایشگاه‌های کتاب که در شهرمان برگزار شده، دیدن کنیم.»

دانش‌آموزان خوش‌حال شدند و از معلم خود تشکر کردند.

نشر موفق



نیایش

خداوندا، وقتی که دست هایم را به سوی آسمان آبی دراز
می کنم و تو را صدا می زنم، آن قدر نام زیباییت را تکرار
می کنم تا مطمئن شوم که صدایم را شنیده ای.

پروردگارا، من خوب می دانم که تو از خود ما هم به ما
نزدیک تری و حتی اگر چیزی هم نگوئیم، از هر آن چه
در دلمان هست آگاهی.

خدایا، تو خود یاری مان کن* تا هر روز و هر شب،
سعادت* با تو سخن گفتن نصیبمان* شود و تو را صدا
بزنیم تا دل کوچک مان برای همیشه خانه ی خدای
بزرگمان باشد.



واژه نامه



درس اوّل

با خدای مهربان

شب‌نم : قطره‌های آبی که روی گل و برگ می‌نشینند.

درس دوم

روز جهانی پست

بازدید: دیدار کردن

کارمند: کسی که در اداره یا سازمانی کار می‌کند.

خوش رویی: با مهربانی با مردم روبه رو شدن

وظایف: جمع وظیفه - کارها

تحويل بسته: دادن بسته

سریع تر: تندتر

مراجعه: رجوع کردن - آمدن - برگشتن

پست تصویری : فرستادن نامه به وسیله‌ی دستگاه‌های الکترونیکی



درس سوم

مقررات عبور و مرور

صحنه: زمین هموار - جای وسیع - محلّ نمایشی
در تماشاخانه (در این درس به معنی اتفاقات
دیدنی است)

روبه‌رو: مقابل (در این درس به معنی برخورد
کردن است)

باعث: برانگیزنده - سبب - علت - انگیزه
نصب کردن: آویزان کردن



درس پنجم

مرد بازاری و عابر

درشت اندام: هیکل و اندام بزرگ

محکم: استوار

الان: همین حالا

عذرخواهی: پوزش خواهی، معذرت خواهی

هدایت کند: راهنمایی کند.



درس چهارم

یک روز خوب

رحمت: مهربانی

فقیر: تنگدست - محتاج - درویش

آغوش: بغل

لطف: مهربانی



درس ششم

ابوعلی سینا

آموخت: یادگرفت

مداوا: درمان

امیر زاده: فرزند امیر

اصرار: پافشاری

طیب: پزشک

وانمود کردن: نشان دادن

درگذشت: فوت کرد

درس هفتم

سعدی

تحصیل: به دست آوردن (در این درس به

معنی درس خواندن)

زیارت: دیدار

افتخارات: جمع افتخار - فخر کردن -

نازیدن

احادیث: جمع حدیث - سخن

آرامگاه: جای آرمیدن - محل آسایش - گور -

مزار - مقبره

اندرز: پند - نصیحت

حکیم: صاحب حکمت - دانا - دانشمند

۷۸ ناپسند: زشت



پرهیز: دوری

بیهوده: بی فایده

سعی: تلاش

اندوخت: پس انداز کرد

نادان: احمق





درس هشتم

اصفهان

آب نما: حوض یا جوی آبی که در خانه یا در

وسط میدان قرار دارد.

عمارت: ساختمان

تحسین: آفرین گفتن

صرف غذا: خوردن غذا

عظمت: بزرگی

گردشگران: کسانی که از جاهای دیدنی دیدن

می کنند.

درس دهم

رایانه

رایانه: کامپیوتر

شگفت انگیز: تعجب آور

سریع تر: تندتر

مشاغل: جمع شغل

اختراعات: جمع اختراع - آفریدن

اکتشافات: جمع کشف - آشکار ساختن



درس نهم

نوروز

برمی خیزد: بلند می شود

اعیاد: جمع عید

تحویل سال نو: تمام شدن سال قبل و شروع

سال جدید

استقبال: به پیشباز آمدن

شادکامی: شادی - خوش حالی





درس یازدهم

ارتباطات

ردّ و بدل کردن: دادن و گرفتن

می افزایشیم: اضافه می کنیم

ارسال: فرستادن



درس دوازدهم

نیایش

یاری مان کن: کمک مان کن

سعادت: خوش بختی

نصیب: قسمت